

در تحلیل و ستایش انسجام و ایثار ایرانیان

سینا شیخی - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

چندی پیش کلپی از سیدحسن نصرالله دیدم که خطاب به عبدالملک حوثی می‌گوید: «شنیده‌ام فرمودید آماده‌اید نان خود را با مردم فلسطین تقسیم کنید؛ سید ما شما محاصره هستید! آیا اصلاً نانی دارید که بخواهید با مردم فلسطین تقسیم کنید؟».

این گفتار مرا به یاد فرهنگ جوانمردی در سنت ایرانی - اسلامی انداخت. در برخی منابع ما آمده که در جنگ یرموک سه تن در آستانه شهادت، آب را از سقا قبول نمی‌کردند که فرد کناری من تشنه است و به او آب بده و این چرخه تکرار می‌شود تا هر سه شهید می‌شوند. این داستان در فولکلور و ادبیات شفاهی ایرانیان به طرق دیگر از جوانمردان و اهل عرفان نقل شده است. این را بگذارید کنار حکایت سعدی از سوختن بازار بغداد که یکی شکر کرد به سلامت دکانش و سعدی شماتتش کرد که «تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی». هزاران حکایت در سنت عرفانی و جوانمردی ما وجود دارد که ناخودآگاه ایرانیان را در دوست‌داشتن دیگری و مسئول دانستن خود نسبت به دیگران شکل داده است.

اکنون که این نوشته را می‌نویسم از غیرت ایرانیان نمی‌اشک در چشمانم است. ایرانیان از مخالف سیاسی و بی‌حجاب گرفته تا منتقدان و زندان‌رفته‌ها و ... همه در کنار ایران و در برابر دشمن ایستاده‌اند؛ بدین ترتیب بزرگترین مکر دشمن یعنی تلاش برای ایجاد آشوب در داخل را خنثی کرده‌اند. اما آگاه باشیم که دشمن مکرها در آستین دارد برای برهم زدن این انسجام. همه می‌دانیم که مسئولین کشور ما کم‌عیب و ایراد ندارند. اما اکنون زمان ایستادگی برای ایران است. هر اشکالی در خانه است، میان اهل خانواده باید حل شود، نه دشمنان خانواده. مراقب ایرانمان باشیم. ایران باقی‌مانده از جنگ‌های مغول و تصرف محمود افغان و جنگ‌های جهانی و

دریغ است ایران که ویران شود / کنام پلنگان و شیران شود